

مثنوی عشاق نامه فخرالدین عراقی و مقام آن در ادبیات ایران

دکتر میرزامل احمد - تاجیکستان



مثنوی عشاق نامه، اثر فخرالدین عراقی، یکی از شاهکارهای ادبیات عرفانی و مثنوی است. این اثر در حدود ۱۲۰۰ هجری قمری در بغداد نوشته شد و به دلیل سبک خاص و زبان شیوا به یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات عرفانی ایران تبدیل شد. عشاق نامه در قالب مثنوی و با استفاده از صنایع ادبانه‌ای چون تشبیه و استعاره، به بیان حال و احساسات عاشقانه پرداخته است.

فخرالدین عراقی، مشهور به «شاعر نوره»، با این اثر به بیان زیبایی‌های دل‌خواه و بیان عاشقانه پرداخته است. در این مثنوی، عشاق با استفاده از تشبیه‌های زیاده‌گویی، زیبایی و صفات دل‌خواه را بیان می‌کنند و به بیان حال و احساسات عاشقانه می‌پردازند.

عشق در مثنوی عشاق نامه، به گونه‌ای بیان شده که عشاق با استفاده از تشبیه‌های زیاده‌گویی، زیبایی و صفات دل‌خواه را بیان می‌کنند و به بیان حال و احساسات عاشقانه می‌پردازند. عشاق با استفاده از تشبیه‌های زیاده‌گویی، زیبایی و صفات دل‌خواه را بیان می‌کنند و به بیان حال و احساسات عاشقانه می‌پردازند.

نسخه خطی عشاق نامه در کتابخانه سلطنتی وین نگهداری می‌شود و به دلیل سبک خاص و زبان شیوا به یکی از مهم‌ترین آثار ادبیات عرفانی ایران تبدیل شد.

عشق در مثنوی عشاق نامه، به گونه‌ای بیان شده که عشاق با استفاده از تشبیه‌های زیاده‌گویی، زیبایی و صفات دل‌خواه را بیان می‌کنند و به بیان حال و احساسات عاشقانه می‌پردازند.

عشق در مثنوی عشاق نامه، به گونه‌ای بیان شده که عشاق با استفاده از تشبیه‌های زیاده‌گویی، زیبایی و صفات دل‌خواه را بیان می‌کنند و به بیان حال و احساسات عاشقانه می‌پردازند.



عشاق نامه است که با عنوان ده نامه معروف است.

عشاق نامه از شاهکارهای فخرالدین عراقی بوده که در سال ۶۸۰ هجری قمری برای شمس‌الدین محمد جوینی صاحب دیوان وزیر معروف نوشته شده است، و احساس و اندیشه‌های شورانگیز عشقی و عرفانی شاعر متصوف را ابراز می‌نماید. مثنوی مذکور کاملاً به توصیف عشق و جنبه‌های گوناگون معنوی و اخلاقی آن اختصاص داده شده است. عشق از نظر عراقی یکی از واجبات و لوازم روحانی حیات انسان است که بدون آن زندگی او معنی ندارد.^(۱)

عشق ذوقی است همنشین حیات بلکه چشمست بر جبین حیات...
آب در میوه خسرد عشقست بلکه آب حیات خود عشقست^(۲)

عشق راهنمای حیات انسان است و او را به دریافت اهداف نهایی و عالی می‌رساند. از این رو، انسان باید همیشه از این مایه معنوی زندگی برخوردار باشد. شاعر هر شخصی را که از این نعمت الهی بی‌بهره است، به حیوان مانند می‌کند:

هر که از عشق بی‌خبر باشد اندر این ره بسان خسر باشد...
هر که عاشق نیست در معنی آدمی صورتست و خسر معنی^(۳)

منظور عراقی در مثنوی، عشق الهی است که از عشق زمینی او منشأ گرفته، تشکیل و تکامل می‌یابد و به درجه علوی می‌رسد:

عشق روزی که درد من بغزود شد حقیقی اگر مجازی بود^(۴)

۱. شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی، کلیات، کوشتن، سعید نفیسی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۳۸، ص ۴۳۹. ۲. همان، ص ۳۳۷. ۳. همان، ص ۳۳۷. ۴. همان، ص ۳۳۷.

به‌طور کلی در مثنوی عشاق نامه، عراقی همان خط عرفانی را که در زیلیات دیوان او به اوج خود می‌رسد^(۱) دنبال کرده است و با کلام ساده و صمیم و حکایات گوناگون تمثیلی و تاریخی بازگو نموده است. عشاق نامه مثنوی عشاق نامه، از لحاظ ساختار نیز قابل توجه است. مثنوی از ۱۰۶۱ بیت عبارت بوده و ده فصل را در برمی‌گیرد و از اینجاست که با عنوان ده نامه نیز معروف است. علاوه بر این، در ضمن مثنوی ده حکایت منظوم، و شانزده غزل جای داده شده‌اند که همه هموزن مثنوی است؛ به

بن خصوصیت مثنوی عشاق نامه، پیشتر مؤلف تذکره میخانه ملا عبدالنسی فخرالزمانی قزوینی اشاره کرده و نوشته است: «مثنوی را به طرز حقیقی به رشته نظم درآورده و در آن میان غزل‌گویی فرموده»^(۲) منظور فخرالزمانی همین عشاق نامه است که در وزن حدیقه الحقیقه ستائی یعنی بحر خفیف مخبون مقصور شش‌وزنه شده است. ولی استناد سعید نفیسی در مقدمه کلیات شاعر به اطلاع مذکور نکته‌گیری کرده و نوشته: «به طرز حدیقه نیست و تنها بز وزن آنست»^(۳) و در همین باره در مقدمه کتاب او همچنین به شهرت عشاق نامه عراقی و تأثیر آن به آثار دیگر شعرائی

نورهای بعدی اشاره نموده است. ولی راجع به اولین شاعری که این روش مثنوی سربازی را شروع نموده است اظهار نظر نکرده است. در این باب دکتر منصور رستگار فسائی در کتاب انواع شعر فارسی بحث نموده، شاعر قرن پنجم هجری عیسی را نخستین نوآوری می‌داند که در ضمن

۱. بان و بیگا، انکار کینما، اهلی بیگا، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کجسرو کجسورزی،

تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲.

۲. ملا عبدالنسی فخرالزمانی، تذکره میخانه، به اهتمام احمد گلچین معانی، تهران، ۱۳۳۹.

۳. ص ۲۸. ۳. فخرالدین عراقی، کلیات، همان چاپ، ص ۲۱. ۴. همان، ص ۲۸.

مثنوی ورقه و گلشاه، ده غزل را جای داده است. او نیز به پیروی از دکتر ذبیح‌الله صفا، علت اصلی آن را در قصهٔ عروه و عفره عربی که مأخذ داستان عیوقی بوده است، می‌داند.

دکتر رستگار درست تأیید می‌کند که «غزل‌های عیوقی نظم دیرین مثنوی سرایی را درهم می‌شکند، و غزل را وارد مثنوی می‌سازد، اما همچنان به یکنواختی وزن غزل و مثنوی وفادار می‌ماند.»^(۱)

و در ادامهٔ بحث راجع به نوآوری عیوقی دکتر رستگار متذکر می‌شود که «ابتکار عیوقی در قرن هفتم مورد توجه امیر خسرو دهلوی (متولد ۶۵۱ هجری قمری) قرار می‌گیرد و او در قرآن‌السعدین که در سال ۶۸۸ در مدت شش ماه سروده است، با رفع نقص کار عیوقی به ارائهٔ تعدادی قصیده و غزل در ضمن مثنوی خود می‌پردازد»^(۲). همان طوری که مشاهده می‌شود، دکتر رستگار مثنوی عشاق‌نامه را که قبل از مثنوی امیر خسرو تألیف شده است، نادیده گرفته است و از آن یاد نکرده است. علت نادیده گرفتن این پدیدهٔ معروف ادبی معلوم نیست، زیرا کلیات عراقی بیش از این در سال ۱۳۳۸ با کوشش و مقدمهٔ مفصل استاد سعید فیسی چاپ شده است. همچنین مثنوی عشاق‌نامه در سال ۱۹۴۹ میلادی با تصحیح متن فارسی و ترجمهٔ انگلیسی آن از طرف خاورشناس معروف ج. آبربی انتشار یافته است. با این همه، جای تعجب و تأسف است که این مثنوی از نظر دکتر رستگار دور مانده است.

ضمناً باید گفت که هر چند ورقه و گلشاه از اولین مثنویهای ادبیات ارسنی است که شامل غزل است، ولی این روش مثنوی‌سرایی با ابتکار

منصور رستگار فسانی، انواع شعر فارسی، شیراز، ۱۳۷۳، ص ۲۶۳.
همان مأخذ، ص ۲۶۲.

عراقی به حکم سنت ادبی درآمده است و شعرای قرون بعدی به قبیل وحدی‌مراغی، عبید زاکانی، عماد شیرازی، عمادالدین فقیه کرمانی به طور کامل از عراقی پیروی کرده، حتی عنوان مثنویهای خود را هم ده‌نامه نامیده‌اند.

مسئلهٔ دیگری که قابل ذکر می‌باشد، آن است که آیا عراقی مثنوی عیوقی را مورد مطالعه و استفاده قرار داده است؟ در عشاق‌نامه عراقی از مثنوی عیوقی و قهرمانان آن ذکری نرفته است. ولی از قصه‌های دیگر عاشقانه اشاره‌های زیاد به نظر می‌رسد امثال بیت‌های زیر: مثنوی صفا
وصف معشوق را ز عاشق پرس حسن عذرا ز چشم و امتق پرس
وصف شیرین به نزد خسرو گوی مسهر لیلی ز طبع مجنون جوی
سنوز بسروانه شوق پروین دان اصل سودای ویس رامین دان
در غزلیات و سایر اشعار عراقی نیز اشاره‌های فراوان به قصه‌های مشهور عشقی به نظر می‌رسد. ولی از ورقه و گلشاه یاد نشده است. از این رو، به این نتیجه می‌رسیم: ممکن است عراقی از مثنوی ورقه و گلشاه عیوقی که اندکی قبل از زمان او تألیف شده بود، اطلاعی نداشته است. زیرا اولاً ورقه و گلشاه به مانند مثنویهای دیگر عاشقانه، شهرت ندارد. ثانیاً عراقی بیشتر وقت خود را در خرابات و خانقاه و یا سفرهای طولانی در هندوستان و ترکیه گذرانده است و ناآگاه بودن او از مثنوی نامشهور ورقه و گلشاه از احتمال دور نیست. یاد نکردن مؤلفان عشاق‌نامه و ده‌نامه‌های قرون بعدی از عیوقی و مثنوی او نیز این را تأیید می‌کند. و البته در هر حالت منظور عشاق‌نامه عراقی است که روشی تازه را در مثنوی سرایی در ادبیات فارسی رایج کرده است.

۱. فخرالدین عراقی، کلیات، همان چاپ، ص ۳۴۶، ۲. همان‌جا، ص ۳۳۲.

همان طوری که اشاره شد، غزلها و قسمت مثنوی در عشاق‌نامه فخرالدین عراقی از لحاظ وزن مشترکند. میان قسمت‌های مذکور همچنین رابطه تنگاتنگ معنوی و منطقی موجود است. مثلاً شاعر در مثنوی عشق را ستایش کرده، ضرورت آن را در حیات انسان تأیید می‌کند و زندگی بدون عشق را باطل می‌داند:

ای که عاشق نه‌ای، حرامت باد / زندگانی تو می‌دهی برباد (۱)

سپس غزلی نقل می‌شود که در آن شاعر اندیشه و احساسات فوق‌ازادامه و تقویت می‌دهد:

هر دلی کان به عشق مایل نیست / حجره دیوان که آن دل نیست
زاغ گو: بسی خیر بسمیر از عشق / که ز گل عندلیب غافل نیست
دل بسی عشق چشم بی‌نورست / بیدلان را جز آستانه عشق
در ره کوی دوست منزل نیست / هر که مجنون شود در این سنودا
ای عراقی مگو که عاقل نیست (۲)

در بعضی موارد، غزل ادامه مستقیم قسمت مثنوی بوده، حتی کلمه و تعبیرهای آن را تکرار می‌نماید:

بیت آخر مثنوی: ...
اندر آن ره کز و نشان جویند / سرفدا کرده ترک جان گورند (۳)

مطلع غزل:

سهل گفتمی به ترک جان گفتم / منی بدیدم، تسمی توان گفتن
مقطع غزل:

زارزوی لب عراقسی را / شد مسلم حدیث جان گفتن

بیت اول قسمت مثنوی:

جز حدیث تو من نمی‌دانم / خامشی از سخن نمی‌دانم
همه غزلهایی که در ضمن مثنوی عشاق‌نامه آمده به خود عراقی منسوب بوده اکثر آنها در قسمت غزلیات دیوان شاعر هم به نظر می‌رسند. ولی از مقایسه آنها بعضی تفاوتها را در متن می‌توان مشاهده کرد. برای مثال در غزلی که با مطلع زیر آغاز می‌شود هفت تفاوت به چشم می‌رسد:

آنسکارا نهان کنم تا چند؟ / دوست می‌دارم به بانگ بلند
علاوه بر این، غزل مذکور در مثنوی کاملتر بوده، دو بیت بیشتر دارد. دلائل فوق‌ما را به چنین نتیجه‌ای می‌رساند که احتمال دارد شاعر غزلهای خود را هنگام تألیف مثنوی از حفظ نقل کرده است.

بدین منوال بررسی عمیق و همه‌جانبه مثنوی عشاق‌نامه فخرالدین عراقی برای تحقیق احوال و آثار و جهان‌بینی و افکار شاعر و حل مسائل مختلف مثنوی‌سرایی در ادبیات ایران ما را مساعدت خواهد کرد.



۱. همان مأخذ، ص ۳۴۶. ۲. همان مأخذ، ص ۳۴۷. ۳. همان مأخذ، ص ۳۷۱.